

نگاهی به تاریخچه و عوارض ناشی از تأسیس معبری که «ارگ» را به «فلکه آب» می‌رساند

تولد خیابان «خسروی» و توسعه الگوی مدرن شهرسازی



عکس از نمای خیابان خسروی از دو سمت/ عکاس: علی آبریا/ احتمالاً۱۳۱۷ خورشیدی



مرضیه ترابی| ساخت خیابان های جدید در مشهد، از اواخر دهه ۱۳۰۰ خورشیدی آغاز شد و شتاب فوق العاده‌ای پیدا کرد. هدف از ساخت این خیابان ها، ایجاد معابر جدیدی بود که بتواند ظرفیت مدرن سازی نوین شهر و لوازم آن را داشته باشد. تا آن زمان مشهد تنها از یک خیابان برخوردار بود که قدمتش

به دوره شاه عباس یکم می‌رسید: خیابانی که پیوستگی نداشت و حرم مطهر و اماکن متبرکه، در عمل آن را به دو قسمت نامساوی تقسیم می‌کرد.

این وضعیت، شاید در سده‌های قبل کارگشا بود، اما در عصر گذشته که به تدریج وسایل نقلیه عمومی به میدان می‌آمد، نمی‌شد به آن تکیه کرد. به همین دلیل در گام نخست، طراحی فلکه جنوبی آغاز شد تا بن بست ناشی از قدیمی بودن معبر اصلی شهر شکسته شود.

تقریباً هم‌زمان با طراحی و اجرای فلکه جنوبی، دو خیابان جدید در جبهه شمالی بالاخیابان پیش‌بینی شد: «خیابان شاهرضا» و «خیابان ارگ». به نظر می‌رسد که این رویکرد

با هدف تمرکززدایی از محور خیابان قدیمی مشهد بوده باشد. مناطقی که دو خیابان جدید از آن‌ها عبور می‌کرد در محدوده اراضی دو محله قدیمی سرشور و سراب قرار داشت؛ محلاتی که عموماً با عنوان «اعیان نشین» شناخته می‌شدند.

در حاشیه این دو خیابان، به‌ویژه خیابان ارگ که شکل گرفتن آن از یکی دو دهه قبل آغاز شده بود، چهره‌ای نوین از سیمای شهری مشهد به نمایش گذاشته شد که شباهتی با نمونه سنتی و قدیمی نداشت.



خیابان خسروی در نقشه ۱۳۳۳



عکس فردریک کلب در ۱۳۱۳ که تقاطع خسروی و ارگ را با ساختمان چهارطبقه نشان می‌دهد

تثبیت شده در فضای تجاری این خیابان یافت که این مسئله تا امروز ادامه داشته است. در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی، استقرار دفتر روزنامه خراسان در ابتدای خیابان خسروی، باعث شد که این خیابان موقعیت رسانه‌ای هم پیدا کند. محل دفتر روزنامه در نخستین کوچه جبهه جنوبی خیابان خسروی از سمت خیابان ارگ بود. اکنون، خیابان خسروی (که امروزه بر آن نام شهید دیالمه را گذاشته‌اند) همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین خیابان های بافت قدیمی شهر مشهد شناخته می‌شود که با وجود رشد سرسام‌آور گستره شهری و توسعه مناطق تجاری، همچنان موقعیت خود را حفظ کرده است.

عبور از خسروی، ورود به «خسروی‌نو» در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی و بعد از تثبیت موقعیت خیابان تهران (امام‌رضا^(ع) فعلی)، طرح امتداد محور خیابان خسروی با زاویه‌ای حدود سی درجه به سمت شمال برای اتصال دو خیابان اصلی شاهرضا و ارگ به خیابان تهران اجرایی شد؛ البته طرح از مدت‌ها قبل و شاید هم‌زمان با احداث خیابان خسروی در سال ۱۳۰۹ خورشیدی وجود داشت، اما به دلایلی اجرای آن ممکن نشد؛ مسیر عبوری خیابان خسروی نو، از مناطق به شدت تجاری مشهد قدیم، صرف‌نظر از بودجه

مسیر موازی بازارچه سراب

برای احداث خیابان خسروی، خانه‌ها و املاک زیادی توسط بلدی‌ه (شهرداری) خریداری و تخریب شد. احداث این خیابان به موازات بازارچه قدیمی سراب و نیز اتصال آن به دو خیابان جدید که گفتیم شامل مراکز اداری و تجاری متعددی شد، آبادانی خیابان خسروی را افزایش داد و در کنار آن سبب تسهیل عبور و مرور در شهری شد که رانر و مجاورش هر روز خود را از مسیرهای مختلف به حرم مطهر می‌رساندند. در گزارش «مکتب شاپور» که حدود پنج سال بعد از احداث خیابان خسروی تهیه شد، به این موضوع اشاره شده و آمده است: «خیابان خسروی به واسطه اینکه دو خیابان مهم را به هم مربوط می‌سازد، یکی از خیابان‌های آباد شهر است.» به نظر می‌رسد که استقرار ادارات دولتی در این خیابان هم خیلی زود آغاز شد، چون در حدود سال ۱۳۱۳ خورشیدی «مؤسسه دفع آفات نباتی» و «اداره معارف و اوقاف» را در خیابان خسروی جانمایی کرده بودند. الگوی معماری در ساختمان‌های حاشیه خیابان نیز به سرعت دستخوش تغییر شد، به طوری‌که در تصاویر مربوط به چند سال بعد از افتتاح این خیابان، می‌توان سیمای خانه‌هایی را دید که با الگوی اروپایی در حاشیه خیابان خسروی خودنمایی می‌کنند. در همان حال، بخشی مهم از مراکز تجاری و مغازه‌های فروش کالای لوکس هم در حاشیه خیابان مستقر شد. این استقرار نشان می‌دهد که در احداث خیابان خسروی، علاوه بر کاربری مواصلاتی، به ایجاد مسیری جدید و جایگزین برای بازارچه سراب که به دلیل محدودیت عرض مسیر چندان تکافوی نیازهای زمان خود را نمی‌داد، فکر شده است. البته منظور این نیست که قصد داشته‌اند بازارچه قدیمی را از سکه بیندازند، اما بی‌تردید فکر ایجاد یک مسیر جدید به موازات بازار سنتی که در برگرفته مراکز تجاری نوین هم بوده است، نمی‌توانست بدون در نظر گرفتن این مسئله شکل بگیرد. خیابان خسروی، در ضلع شمالی، معابر متعددی به سوی بازارچه سراب داشت که امکان تردد بین این دو مسیر تجاری را فراهم می‌کرد.

خیابان خسروی، چشم‌اندازهای لوکس

نکته جالب دیگری که باید درباره خیابان خسروی در نظر بگیریم، دورنمای دو معبر اصلی جدید از میانه این معبر واسطه است. قرار گرفتن بنای مشهور «چهارطبقه» در محل اتصال خیابان خسروی و ارگ، چنان زیبا به نظر می‌رسید که توجه جهانگردان و مسافران خارجی را هم به خود جلب می‌کرد. نمونه قابل ارائه در این زمینه، عکس مشهور و کم‌نظیر «فردریک جی کلب» است که در تیرماه سال ۱۳۱۳ از محل این تلافی مهم برداشته شد.

در عکس «کلب» نمایی از چهارطبقه مشهور را از زاویه خیابان خسروی می‌بینیم که جلوه‌ای بسیار جذاب دارد. این زیبایی باعث می‌شد که مسیر پیاده‌روی و قدم‌زدن عمومی مردم مشهد، علاوه بر گذر خیابان ارگ، شامل مسیر خیابان خسروی هم باشد. طی دهه‌های بعد، خیابان خسروی که پیش از ایجاد، بخشی از باغ‌های مشهد بود، در ساختار اقتصادی بازار مشهد، نقش مهم و رشد‌فزاینده‌ای پیدا کرد و علاوه بر اصناف طلا و جواهر فروش، صنف قماش فروش نیز جایگاهی



شنبه
۶ دیماه ۱۴۰۴
۶ رجب ۱۴۴۷
شماره ۳۳۴۴

۱۵



تاریخ و هویت

خراسان
نامه

درباره یکی از باغ‌های ایرانی جنوب خراسان

گلشن‌ترین زمین طیس



هادی دقیق| باغ ایرانی از آن دست فضاهای تاریخی سرزمینمان است که تقریباً در سراسر ایران با یک شکل و الگوی مشخص یافت می‌شود. باغ ایرانی کاری به آب‌وهوا ندارد، بلکه هر جا اقتضا کرده، حتی در دل کویر، معماران ایرانی از این‌گونه باغ‌ها ساخته‌اند. شاهدش را از شمال این کشور تا جنوب می‌شود سراغ گرفت. با همه این‌ها، برای کویر تفتیده ایران، باغ ایرانی یک موضوع حیاتی است. آن هم برای مناطقی که حتی معماری‌شان را هم با طبیعت خشک وفق می‌دهند تا سایه‌ای بیشتر فراهم کنند. از این رو، جنوب خراسان پر از باغ‌هایی است که در عین حال که نماینده طبیعت آن منطقه نیستند، فرهنگ مردمان کویرنشین را نمایندگی می‌کنند. شگفتی باغ‌های جنوب خراسان را وقتی بیشتر درک می‌کنیم که بدانیم در پرونده ثبت جهانی باغ‌های ایرانی که سال ۲۰۱۱ در یونسکو تأیید شد، یکی از ۹ باغ در جنوب خراسان است، باغی به نام «اکبریّه» در شهر بیرجند.

در میان باغ‌های ایرانی جنوب خراسان، باغی که به جرئت می‌شود گفت از نمونه ثبت جهانی شده‌ای که در سطر بالا از آن یاد کردیم، معروف‌تر است. باغ «گلشن» شهر طیس است. باغ گلشن طیس در مرکز این شهر و در حاشیه خیابان گلشن قرار دارد، از این رو به این نام هم شناخته می‌شود. باغ گلشن طیس جدا از درختان جورواجور و چشمه‌های آب جوشانش، به پلیکان‌هایش هم معروف است؛ پلیکان‌هایی که چندین سال پیش در مسیر مهاجرتشان از روسیه، در طیس راه‌گم کردند و در باغ گلشن نمک‌گیر و ماندگار شدند. نکته تأسف برانگیز اینکه یکی از آن دو پلیکان مهاجر، در رزله سهمگین طیس به سال ۱۳۵۷ زیر آوار ماند و مرد، اما از آن زمان به بعد چند پلیکان دیگر به باغ آورده شده‌اند. با همه این‌ها، یکی از جذابیت‌های گردشگری باغ گلشن، امروز همین پلیکان‌هایی هستند که در کنار گردشگران، آزادانه در محوطه باغ پرسه می‌زنند. باغ گلشن طیس دی‌ماه ۱۳۵۵ در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است.

تاریخ «باغ گلشن»

باغ گلشن طیس در زمینی بزرگ و پردرخت قرار دارد. تقریباً وسط باغ، حوضی هست که باغ از آنجا به چهار قسمت تقسیم می‌شود. معمولاً باغ ایرانی براساس گذر آب، تقسیم‌بندی باغچه‌ها و محورهای اصلی و فرعی تقسیم‌بندی می‌شود که این موضوع در باغ گلشن هم پیداست.

بنیان باغ گلشن خیلی قدیمی است و آغازش ناپیدا، اما در دوره حکومت امیرحسن خان شیبانی بر طیس، بازایی و سپس وقف می‌شود. خاندان بنی شیبان از خاندان‌های حاکم محلی خراسان به‌شمار می‌رود که تقریباً از دوره افشاریان تا زنده و قاجار و حتی اوایل پهلوی بر طیس و نواحی اطرافش حکمرانی می‌کرد.

دوره حکمرانی امیرحسن خان دوره رونق طیس است. او خدمات زیادی در طیس انجام داد و خیلی از اموال را وقف عام کرد از جمله همین باغ گلشن. امروز موقوفات امیرحسن خان در طیس مشهور است. او سرانجام سال ۱۲۲۵ قمری در یکی از لشکرکشی‌های حکومت مرکزی به هرات، در میانه راه بر اثر سکنه قلبی از دنیا می‌رود و جنازه‌اش به مشهد منتقل و در حرم امام‌رضا^(ع) دفن می‌شود. ورودی باغ گلشن یک عمارت قدیمی دارد که پیش‌تر از آن به عنوان مهمان سرا استفاده می‌شده است اما اکنون در اختیار شهرداری طیس قرار دارد. این عمارت ورودی که در ضلع شرقی باغ و در حاشیه خیابان گلشن است، دوطبقه است و ایوان ورودی‌ش در ست در مرکز آن قرار دارد. جزئیات سردر نسبت به گذشته خیلی تغییر کرده اما دیوار و پلان این عمارت هنوز همان است. مسبب این تغییرات هم رزله ویرانگر شهریور ۱۳۵۱ طیس است. البته باغ گلشن از ابتدا عمارت نداشته است و چیزی که از تصاویر دوره قاجار برمی‌آید، بنایی کوچک و نه چندان مناسب در همین ورودی داشته است. از آن تصاویر حتی پیداست که باغ گلشن کف‌سازی و جدول‌بندی هم نداشته است. حوض مرکزی بنا هم پیش‌تر صرفاً گودال آب بوده است. با وجود این، امروز وضعیت باغ مناسب یک مکان گردشگری در طیس است.

بنای «باغ گلشن»

یعقوب دانشدوست، معمار و مرمتگر و پژوهشگر تاریخ، را کارشناس باغ‌های ایرانی می‌دانند. دانشدوست کتابی دو جلدی دارد با نام «طیس شهری که بود». او در جلد نخست این کتاب به باغ‌های طیس پرداخته است. باغ گلشن طیس کتیبه‌ای برای تاریخ‌گذاری ندارد، اما یک جمله روی در ورودی آن به این شرح کنده‌کاری شده است: «به امر سردار مکرم ۱۳۳۸ قمری.» این تاریخ به احتمال باید تاریخ بازسازی بنا باشد و اینکه به فرمان سردار مکرم دستی به سر و روی باغ کشیده شده است. دانشدوست در کتابش در این باره می‌نویسد: «می‌گویند حوض و آبشارهای باغ در زمان سردار مکرم به صورت گذشته بود و پس از او به وسیله عبدالرضاخان امیری حدود سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ خورشیدی به وضع فعلی ساخته و پرداخته شده است.»

این باغ مربع شکل، تقسیماتی دارد که هم راستای حصار باغ، آن را به چند قسمت تقسیم می‌کنند، در کل دو محور اصلی دارد که کهن الگوی چهارباغ ایرانی را تداعی می‌کند و بقیه محورها فرعی هستند. برای باغ‌های کویری، جدا از تأمین آب، چرخش آب در باغ هم مسئله‌ای مهم بوده است. باغ گلشن در سه سطح با شیبی ملایم ساخته شده است. از این رو، از قنات‌های غرب باغ، آب به داخل آن جاری است و پس از گشتن در سراسر آن، به حوض مرکزی می‌ریزد و از حوض به جویی وارد می‌شود و از شرق باغ به داخل شهر می‌رود. باغ گلشن کوشک ندارد و عمارت ورودی بنا را هم می‌توان یک بنای حکومتی برای رسیدگی به امور دیوانی

شهر دانست. طیس یک ارگ

حکومتی داشته که در مواقع

نیاز بناگاه‌ها ساکنان شهر بوده است. باتوجه به اینکه فاصله ارگ تا باغ گلشن بیرون از حصار زیاد بوده، حفظ امنیت آن دشوار بوده و در نتیجه، لزومی برای ایجاد کوشک در باغ گلشن نیز حس نشده است. با همه این‌ها، درختان قدیمی باغ گلشن و تنوعشان که از چنار مناطق سردسیر تا نخل نواحی گرمسیر را شامل می‌شود، در کنار آب فراوان جاری در باغ، جلوه‌ای کم‌نظیر به این باغ ثبت‌ملی شده بخشیده و آن را شاخص شهر طیس کرده است.

